



فرزندان اسرائیل

أری رُبین
ترجمه: حسن رضائی

بنی اسرائیل

بنی اسرائیل یکی از القاب قرآنی عبرانیان و یهودیان و نیز مسیحیان می باشد که عمدتاً برای اشاره به نسل های گذشته به کار می رود. اغلب آیاتی که در آن ها عبارت بنی اسرائیل ذکر شده، به عبرانیان زمان موسی اختصاص می یابند، اما به مراحل متأخر تاریخ آن ها نیز اشاراتی شده است که قصه طالوت (سوره دوم، آیه ۲۴۶=۲۴۷: ۲)، تخریب هیکل (۲۸: ۱۷) و ظهور مسیح از آن جمله اند. گه گاه، عبارت «بنی اسرائیل» به جای عبارت «اهل کتاب» به کار می رود.

توضیحات کتاب مقدس

برخورد قرآن با بنی اسرائیل را باید در زمینه ای از اشارات کتاب مقدس در مورد آن ها بررسی کرد.

عناوین «اسرائیل»، «خاندان اسرائیل» و «بنی اسرائیل» قبلاً در تورات به صورت نام های مترادف امت یهود به کار رفته بود، و وجه تسمیه آن به جد بزرگشان یعقوب برمی گردد که نامش به اسرائیل تغییر یافت. در انجیل، «اسرائیل» به عنوان نام یهودیان به کار می رود. در تورات، اسرائیل قوم مقدسی است که خداوند آن ها را بندگان برگزیده خود

قرار می دهد و مرتبه آن ها از تمامی اقوام روی زمین والاتر است. این انتخاب اسرائیل، مبتنی پیمانی میان خداوند و بندگان برگزیده اوست که وظیفه آن ها، پیروی از آیین الهی، نبرد با کافران و پرهیز از هر گونه گناه است. این انتخاب نشان دهنده رحمت خداوند بر آنان است؛ خداوند بنی اسرائیل را به خاطر شایستگی آن ها برگزید، این انتخاب صرفاً به خاطر عشق خداوند به اسرائیل و به خاطر نام خداوند بود.

شاهد تاریخی این انتخاب اسرائیل، قصه خروج یعنی رهایی بنی اسرائیل از بردگی در مصر به مدد «آیات و معجزات» است که به فتح ارض موعود منجر می گردد. این رهایی تحقق وعده خداوند به پدران اسرائیل مبنی بر خلافت فرزندان آن ها در سرزمین کنعان است. اسرائیل، مادام که خدا را بندگی کند و پیمان خود با خداوند را نگه دارد، قوم برگزیده باقی می ماند؛ اما اگر گمراه شود قوم الهی محسوب نمی گردد. پس هنگامی که یهودیان گناه پرستش گوساله طلایی را مرتکب شدند، خداوند آنان را طرد کرد و آنان را قوم موسی نامید که موسی و نه خداوند از مصر نجاتشان داده است. قوم اسرائیل به خاطر گناه خویش به لواموا^۱ و نه «قوم من» بدل شدند.

قوم برگزیده اسرائیل در قرآن

این آرا و نظرات که عمدتاً در سفر تثبیه آبه چشم می خورد، به طور تمام و کمال در قرآن تکرار می شود. اشارات قرآنی به بنی اسرائیل، از یک سو متوجه انتخاب اسرائیل و از سوی دیگر ناظر بر پیمان شکنی اسرائیل در برابر خداوند است. این اشارات در مجموع ناظر به این معنا هستند که اسرائیل به عشق خداوند خیانت کرد و جایگاه قوم برگزیده خداوند را از دست داد؛ که به طور تلویحی اشاره ای است بر این که پیروان پیامبر قرآن، جایگزین بنی اسرائیل شده اند و قوم برگزیده جدید خداوند هستند. بیشتر اشارات قرآنی در قصه خروج ریشه دارد که به انتخاب اسرائیل و نیز گناه ایشان می پردازد.

صریح ترین اشاره قرآنی به برگزیدن بنی اسرائیل در سوره چهل و چهارم [دخان] آیات ۳۰ تا ۳۳ آمده است که خداوند اعلام می کند که ایشان را سرور کل کائنات ساخته است (اخترناهم). این اشاره در کنار قصه نجات اسرائیل از دست فرعون می آید و آیات نازل شده بر اسرائیل در حین نجات را نیز در برمی گیرد. این آیات در بخش های دیگری از قرآن تکرار می شود آنجا که بنی اسرائیل به عنوان قوم برگزیده خداوند معرفی می شود (مثلاً سوره ۴۵ [جاثیه]، آیات ۱۷-۱۶) و خداوند به آنان کتاب (تورات) و حکم

و نبوت می دهد، به ایشان طیبات می بخشد و آن‌ها را بر تمامی جهانیان برتر می سازد (و فضیلت‌ناهم). سپس از نشانه‌های روشنی (بینات) سخن به میان می آید که خداوند به آن‌ها داده است. در دیگر بخش‌های قرآن (مثلاً سوره پنجم [مائده]، آیه ۳۲) این نشانه‌ها را پیامبرانشان برای آنان آورده اند.

انتخاب اسرائیل، نشان نعمت خداوند بر ایشان است بنابراین در قرآن (۲: ۲۱۱) از بیناتی سخن به میان می آید که خداوند بر اسرائیل فرستاد و آنان را از تغییر نعمت خداوند برحذر می دارد. نعمت خداوند، چیزی است که بنی اسرائیل باید به خاطر بسپارند؛ این نعمت، فضیلت آن‌ها بر کل عالم (قرآن ۴۷: ۲) و نیز برخورداری ایشان از انبیا و ملوک گردانیدن آن‌ها را شامل می شود.

خروج از مصر و گناهان اسرائیل

نجات بنی اسرائیل از دست فرعون، آشکارترین تجلی نعمت خداوند است (قرآن ۶: ۱۴). این رویداد و نیز سفر بنی اسرائیل به سرزمین مقدس در بخش‌های مختلفی از قرآن، کما بیش باز گو شده است. شرح مفصل این رویداد در سوره هفتم (اعراف) در آیات ۱۰۳ تا ۱۷۱ آمده است. قصه خروج در این جا با موسی و هارون و ملاقات ایشان با فرعون آغاز می شود و آیات پیامبر، یعنی معجزات موسی و مصائب فرعون را نیز دربرمی گیرد. پس از آن، به شرح عزیمت اسرائیل از مصر و غرق شدن لشکریان فرعون در دریا می پردازد. سپس اشاره مختصری به استقرار بنی اسرائیل در سرزمین موعود (۱۳۷: ۷) صورت می گیرد. این روایت از قصه فرعون، یکی از قصص مشهور عقوبتی قرآن است، قصصی که نابودی اقوام مختلف به خاطر نافرمانی آن‌ها را شرح می دهند. گه گاه، قصه عقوبت فرعون، مستقل از قصه بنی اسرائیل می آید (قرآن ۶۸-۱۰: ۲۶؛ ۱۴: ۷-۲۷؛ ۴۷: ۳-۲۸؛ ۵۶: ۴۳؛ ۴۰: ۳۸-۵۱؛ ۲۹: ۱۵-۷۹). در سوره هفتم، قصه عقوبت فرعون با شرحی از رخدادهایی دنبال می شود که پس از عبور اسرائیل از دریا روی می دهد. در این روایت بر گناهان آن‌ها و بویژه بر ساختن گوساله طلایی تاکید می شود که به شکسته شدن الواح ده فرمان می انجامد. دیگر گناهایی که در این سوره ذکر شده اند، امتناع از گفتن حطه (ابراز یا اظهار ندامت) که به همین خاطر با بلایی که از آسمان نازل می شود (رجز) ناپود می شوند (۲: ۱۶۱-۹؛ ۷: ۵۸-۲) و نیز هتک حرمت روز شنبه است که به خاطر آن به میمون بدل می شوند (۲: ۶۵؛ ۷: ۱۶۳-۷). در



جای دیگر از قرآن (۲۶-۲۰: ۵) گناه بنی اسرائیل در امتناع از جنگ با ساکنان قدرتمند ارض موعود نیز ذکر می شود. به عقوبت این کار، آن ها باید چهل سال در زمین سرگردان شوند (تا هلاک گردند) این روایت نیز بر روایت تورات از این وقایع استوار است.

قرآن از دیگر گناهان بنی اسرائیل نیز مطلع است که از محنت خروج فراتر می رود، و آزار و اذیت و قتل پیامبران (۹۱، ۸۷، ۶۱، ۲: ۱۸۱، ۱۱۲، ۳: ۲۱، ۱۵۵، ۴: ۷۰، ۵: ۷۰) از آن نمونه است. قرآن بنی اسرائیل را به خاطر کشمکش های درونی ایشان (اختلاف) سرزنش می کند، اختلافاتی که پس از برگزیده شدن از سوی خداوند به تفرقه میان آنان انجامید (۷-۱۶: ۴۵ و نیز ۹۳: ۱۰). در جای دیگری از قرآن این اختلاف به اصل کتاب نسبت داده شده است. (۱۹: ۳)

گناه بزرگ بنی اسرائیل، که نشانه شکستن عهد خداوند است، تحریف کلام خدا یعنی تورات است (۱۳: ۵). همین مطلب در مورد یهودیان نیز گفته می شود. قرآن هم چنین عده ای از اهل کتاب را ذکر می کند که بخش هایی از کتاب مقدس را پنهان کردند (۹۱: ۶ و نیز ۱۷۴ و ۱۵۹: ۲: ۱۸۷ و ۳: ...)

قرآن نه تنها به ذکر گناهان بنی اسرائیل می پردازد بلکه برخی از پیامبران آن ها یعنی داوود و مسیح را مثال می زند که ایشان را به سبب رفتارشان نفرین کرده اند. (۷۸: ۵).

مقاصد جدلی

قرآن مضمون قصه بنی اسرائیل را به منظور ارائه استدلال هایی جدلی به کار می بندد که از تنش های میان مسلمانان و یهودیان و مسیحیان هم عصر آن ها ناشی شده بود. قرآن می کوشد تا اثبات کند که اسلام چارچوبی برای قوم برگزیده جدید خداوند فراهم می آورد و این که بنی اسرائیل یعنی یهودیان و مسیحیان، دیگر قوم برگزیده نیستند. این مطلب به صراحت در سوره پنجم، آیه هجدهم ذکر می شود. در این آیه یهود و نصارا مدعی می شوند که «پسران خدا و دوستان او» هستند. قرآن در پاسخ به این ادعا تصریح می کند که آن ها بشری بیش نیستند که به خاطر گناهانشان خداوند آنان را عذاب می کند. ارتقای جایگاه مسلمانان به مرتبه قوم برگزیده و جایگزینی آن ها به جای بنی اسرائیل در بخش هایی از قرآن نقل می شود که جنبه های مختلف برخورداری مومنان از نعمت خداوند را برمی شمرد. بنابراین با نعمت خداوند با آنان پیوند می خورد (۷: ۵). در این مقام، نعمت خداوند، برخورداری مؤمنان از کتاب و حکمت (۲۳۱: ۲) و برقراری

الفت میان قلوب آنها (۱۰۳: ۳)، حفاظت اذ آنها در برابر دست درازی دشمنان (۱۱: ۵) و یاری آنان در جنگ را شامل می شود.

یهودیان صالح

از سوی دیگر، قرآن از گروه یهودیان صالح نیز خبر می دهد و این که اینان عده قلیلی هستند که به پیامبران خویش، مؤمن باقی مانده اند. در سوره هفتم آیه ۱۵۹، گروهی از صالحین (أمة) در میان «قوم موسی» زندگی می کنند که «به حق هدایت می کنند و بدان دادگری می نمایند». برخی از مفسران اولیه قرآن^۳ این عده را همان قبایل گمشده بنی اسرائیل می دانند که در قسمت علیای رودخانه ای از شن های روان موسوم به «اردف» زندگی می کنند و این رود هر شنبه منجمد می شود (که همان Sambatyan تفاسیر تورات است).

اما تفاسیر رایج تر، این عده را با یهودیان هم عصر پیامبر یکی می دانند که دین اسلام را پذیرفتند. به همین ترتیب، گروه صالحی از پیشوایان («ائمه» و مفرد آن «امام») نیز در میان بنی اسرائیل هستند که در آیه ۲۴ از سوره ۳۲ یاد می شوند (نیز ۵: ۲۸). به گروه صالحی (أمة) از اهل کتاب نیز اشاراتی صورت می گیرد: (۶: ۶۵-۵: ۴-۱۳: ۳ و نیز ۱۹۹: ۳)

مسلمانان و بنی اسرائیل در قرآن

مورخان مسلمان از آیات قرآن درباره بنی اسرائیل به عنوان ابزاری جهت روشن ساختن روابط حضرت محمد (ص) با یهودیان مدینه سود جسته اند. در نوشته های یکی از اولین زندگی نامه نویسان پیامبر، ابن اسحاق، (۷۶۸م/۱۵۰ق)، برای نخستین بار این آیات، حمله ای به یهودیان روزگار پیامبر قلمداد می شود. او در توصیف خود از شرایط مدینه در هنگام هجرت پیامبر از مکه، بسیاری از آیات ناظر بر گناهان بنی اسرائیل (عمدتاً از سوره دوم قرآن یعنی بقره) را می گنجانند. ویژگی بارز اثر ابن اسحاق، تفسیر او از آیه چهلیم سوره بقره است که در آن خداوند بنی اسرائیل را سرزنش می کند تا به پیمان خود با او وفادار بمانند. در نظر ابن اسحاق، این آیه، خطابی خاص به پیشوایان یهودیان مدینه است که از آنان می خواهد به عهد خود با خداوند وفادار بمانند یعنی هنگامی که احمد به نزد ایشان می رود، به او ایمان بیاورند (قرآن سوره ۶۱، آیه ۶).^۴ با این همه، شواهد قرآنی گناه بنی اسرائیل و مخصوصاً ساختن گوساله طلایی از



آن رو اقامه می شود تا مظاهر فساد در جامعه اسلامی تقبیح گردد، وضعیت هایی که علامت شبیه شدن مسلمانان به دیگر جوامع قلمداد می شود. مثلاً گناه ساختن گوسفند طلایی در روایتی از پیامبر نقل می شود که در آن حضرت پیشگویی می کند مسلمانان از سنت های شیطانی بنی اسرائیل پیروی خواهند کرد. او این مطلب را هنگامی اعلام می کند که مسلمانان از پیامبر می خواهند پرستشگاهی شبیه عبادتگاه مشرکان برای آنان برپا دارد. پیامبر نمی پذیرد و می گوید که مسلمانان همان چیزی را خواسته اند که پیشتر قوم موسی از او خواسته بود، یعنی همان گوساله طلایی. ۵. شواهد قرآنی عقوبت بنی اسرائیل، بویژه تبدیل آن ها به خوک و میمون (۲: ۶۵؛ ۵: ۶۰؛ ۱۶۶: ۷) نیز به عنوان هشداریه علیه جنبه های مختلف تشبث به باورها و اعمال یهودیان و مسیحیان استفاده می شود که در این زمینه برخی از فرقه های بدعت گزار اسلام مقصر شمرده می شدند (از قبیل قدریان). برخی گروه ها پیشگویی کردند که بدعت گزاران به عذاب استحاله به خوک و میمون گرفتار خواهند شد.

بنی اسرائیل و شیعه در قرآن

اشارات بنی اسرائیل در قرآن نقش مهمی در پیشینه تشیع ایفا می کند و سرگذشت آن ها گواهی از سرگذشت شیعیان است. شهادت حسین و یارانش در کربلا به دست بنی امیه (۶۸۰م/۶۱ق) در تاریخ شیعه، معادل سنت های شیطانی بنی اسرائیل در قرآن قلمداد می شود که پیامبران خود را به قتل رساندند^۶ شیعه برای امویان همان الگوی فرعون را به کار می گیرد که بنی اسرائیل را به قتل برسانید. (قرآن ۲۵: ۴۰)، در این تفسیر شیعیان تحت ستم معادل بنی اسرائیل تحت ستم روزگار فرعون دانسته می شود (تاریخ طبری).

۱. LO_ amma

۲. Detronomy

۳. تفسیر مقاتل، ۲/ ۵۵۴-۵۵۳.

۴. ابن اسحاق، سیره ابن اسحاق، ۲/ ۱۸۱.

۵. همان، ۴/ ۸۵-۸۴.

۶. فرات کوفی، تفسیر فرات، ۱/ ۱۳۶.